

## نقد و بررسی دیدگاه‌های موجود دربارهٔ افشای راز پیامبر اعظم ص در آیات ابتدایی سوره تحریم

سید علی حسینی فاطمی \*

چکیده

یکی از مسائل مهم و اختلافی در تاریخ اسلام مسئله مطرح شده در آیات ابتدایی سوره مبارکه تحریم است که در آن از پیامبر ص در مورد چرایی تحریم حلالی از حلال‌های خداوند سؤال می‌شود. این مسئله به قدری مهم بوده که چند آیه از آیات قرآن کریم بدان اختصاص یافته است. البته قرآن کریم درباره موضوع حلال حرام شده و علت آن سکوت می‌کند تا جایی که مفسران شیعه و سنی دیدگاه‌های مختلفی درباره آن ارائه کرده‌اند که در این بین، برخی اغراض سیاسی نیز به عنوان تأیید مذهبی خاص، پشت این مسئله قرار می‌گیرد. در این مقاله و برای بررسی این موضوع، به تفاسیر مختلفی از شیعه و اهل سنت مراجعه شده که در مجموع از دیدگاه شیعه به شش قول و از دیدگاه اهل سنت نیز به شش قول موجود اشاره شده است.

واژگان کلیدی: پیامبر اکرم ص، همسران پیامبر، راز، افشا، شیعه و اهل سنت.

\* کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ \*  
أَيُّهَا النَّبِيُّ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ \* وَإِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ خَدِيحَ  
اللَّهِ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ  
نَامِ خَدَاوَنَدِ بَخْشَايِنْدَه مَهْرِيَان. ای پیغمبر گرامی برای چه آن را  
فرمود تو بر خود حرام کردی تا زنا را از خود خشنود سازی  
آمرزنده و مهربان است. خدا حکم کرد برای شما که سوگندهای  
بگشایید و او مولای شما بندگان (و حکمش نافذ) است و هم او  
و به حکمت از تمام امور خلق آگاه است. وقتی پیغمبر با بعضی  
گفت ... آن زن چون خیانت کرده و دیگری (یعنی عایشه) را  
ساخت خدا به رسولش خبر داد و او بر آن زن برخی را اظهار کرد  
برخی را از کرم، پرده داری نمود و اظهار نکرد. آن زن گفت: چه  
ساخت ... رسول گفت: مرا خدای دانای آگاه (از همه اسرار عال

(۱۱۴)

تاریخ در آینه پاره‌های (سال سوم، شماره سوم، پانزدهم)

### بررسی دیدگاه مفسران شیعه

با اندک تأملی در دیدگاه‌های مفسران شیعه و سنی، روشن می  
نزول‌های این آیات، از منابع کهن اهل سنت نقل شده و شیعه  
- غیر از روایتی از امام باقر علیه السلام - نظری در این باره نداشته است و هر  
شیعه ملاحظه می‌شود، گردآوری و نقل قول محدثان و مفسران اهل  
برای بررسی دیدگاه مفسران شیعه از تفسیر علی بن ابراهیم ق  
مجمع البیان، تفسیر نمونه و البرهان فی تفسیر القرآن استفاده ش  
مجال، بایستی از دو منظر دیدگاه آنان را بررسی کنیم:  
الف - این که آیات اول و دوم اشاره به چه موضوعی دارند که پیا  
خود حرام کرده است؟

۲۹۷۹

اما این که این آیات در شأن چه موضوعی نازل شده‌اند، مفسران شیعی چندین نظر را در تفاسیر خود آورده‌اند:

- ۱- عسل خوردن پیامبر ﷺ در منزل حفصه و نقشه عایشه در این باره با بیان این مطلب که از دهان پیامبر ﷺ بوی «مغافیر» به مشام می‌رسد و سوگند پیامبر ﷺ بر عسل نخوردن؛
- ۲- عسل خوردن پیامبر در منزل ام سلمه و اجرای نقشه مذکور توسط سایر همسران پیامبر؛
- ۳- عسل خوردن پیامبر ﷺ در منزل زینب بنت جحش و اجرای نقشه مذکور توسط عایشه و حفصه و سوگند پیامبر بر این که هرگز عسل ننوشد؛
- ۴- عسل خوردن پیامبر ﷺ در منزل سوده و اجرای نقشه مذکور توسط عایشه و حفصه و سوگند پیامبر ﷺ بر عسل نخوردن؛
- ۵- دیدار پیامبر ﷺ با ماریه در غیاب حفصه و درستی کردن حفصه با پیامبر ﷺ و سوگند پیامبر ﷺ بر کناره‌گیری از ماریه؛
- ۶- دیدار پیامبر ﷺ با ماریه در غیاب عایشه و اطلاع یافتن حفصه از این ماجرا و سوگند پیامبر ﷺ بر حرام کردن ماریه بر خود.

اکنون به بررسی این موارد می‌پردازیم:

نظریه اول و دوم فقط در تفسیر مجمع البیان طبرسی آمده است.<sup>۱</sup>  
نظریه سوم، علاوه بر تفسیر مجمع البیان طبرسی،<sup>۲</sup> به عنوان شأن نزول مورد وثوق مفسر تفسیر نمونه به شرح ذیل آمده است:

پیامبر ﷺ گاه که نزد زینب بنت جحش (یکی از همسرانش) می‌رفت زینب او را نگاه می‌داشت و از عسلی که تهیه کرده بود خدمت پیامبر ﷺ می‌آورد. این سخن به گوش عایشه رسید و بر او گران آمد، عایشه می‌گوید: من با حفصه (یکی دیگر از همسران پیامبر) قرار گذاشتیم که هر وقت پیامبر نزد یکی از ما آمد فوراً بگویم آیا صمغ «مغافیر» خورده‌ای؟ (مغافیر، صمغی بود که یکی از درختان حجاز به نام عرفط (بر وزن هرمز) تراوش می‌کرد و بوی نامناسبی داشت) پیامبر ﷺ مقید بود که هرگز بوی نامناسبی از دهان یا لباسش شنیده نشود، بلکه به عکس اصرار داشت همیشه خوشبو و معطر باشد!

به این ترتیب، روزی پیامبر نزد حفصه آمد و او این سخن را به پیامبر گفت. حضرت فرمود: من مغافیر نخورده‌ام؛ بلکه عسلی نزد زینب بنت جحش نوشیدم،

۱. طبرسی، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۱۴، جزء ۲۷ و ۲۸، ص ۱۰۶۵-۱۰۶۸.

۲. همان.

و من سوگند یاد می‌کنم که دیگر از آن عسل ننوشم (نکند زنبور آن عسل روی گیاهی نامناسب و احتمالاً مغایر نشسته باشد).<sup>۱</sup>

اما دیدگاه چهارم فقط در تفسیر المیزان آمده است که مفسر گران قدر این تفسیر، آن را از الدر المنثور به این شکل نقل می‌کند:

و در در منثور است که ابن منذر، و ابن ابی حاتم، و طبرانی، و ابن مردویه، به سندی صحیح از ابن عباس روایت کرده‌اند که گفت: رسول خدا ﷺ هر وقت به خانه همسرش سوده می‌رفت، در آن جا شربتی از عسل می‌نوشید. روزی از منزل سوده درآمد و به خانه عایشه رفت، عایشه گفت: من از تو بویی می‌شنوم، از آن جا به خانه حفصه رفت، او هم گفت: من از تو بویی می‌شنوم. حضرت فرمود: بگمانم بویی شربتی باشد که من در خانه سوده نوشیدم، و والله دیگر نمی‌نوشم.<sup>۲</sup>

دیدگاه پنجم تقریباً مورد اتفاق همه این مفسران (جز مفسر تفسیر نمونه) است، گرچه این داستان به شکل‌های گوناگونی نقل شده است. به عنوان نمونه، علامه طباطبایی به نقل از قمی از ابن سیار از امام صادق علیه السلام روایت کرده که عایشه و حفصه در روزی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در خانه ماریه قبطیه بود، به گوش نشستند و بعد به ایشان اعتراض کردند که چرا به خانه ماریه رفتی؟ و حضرت سوگند خورد که والله دیگر نزدیک او نمی‌شوم. «خدایتعالی در این آیه، آن جناب را عتاب کرده که چرا حلال خدا را بر خود حرام کردی، کفاره قسم را بده و هم چنان به همسرت سر بزنی».<sup>۳</sup> اصل این موضوع در تفسیر قمی بدین شکل آمده است:

أخبرنا أحمد بن ادریس قال حدثنا أحمد بن محمد بن محمد عن الحسين بن سعيد عن ابن سیار عن ابی عبد الله علیه السلام فی قوله تعالی (یا أیها النبی لم تحرم ما أحل الله لك) الآیه، قال اطلعت عائشة و حفصه علی النبی صلی الله علیه و آله و هو مع ماریه، فقال النبی صلی الله علیه و آله و الله ما أقر بها، فأمره الله أن یکفر یمینه.<sup>۴</sup>

در تفسیر علی بن ابراهیم قمی شأن نزول این آیات این گونه عنوان می‌شود که رسول خدا صلی الله علیه و آله به خانه بعضی از همسرانش می‌رفت و ماریه قبطیه در خدمت ایشان بود و

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۷۱ - ۲۷۲.

۲. سید محمد حسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۶۸۱.

۳. همان، ص ۶۸۰.

۴. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۷۵.

به ایشان خدمت می‌کرد و در آن روز در خانه حفصه بود و حفصه به سبب حاجتی بیرون رفته بود. پس پیامبر اکرم با ماریه نزدیکی کرد و حفصه از این ماجرا مطلع شد و با حالتی خشمناک رو به سوی پیامبر کرد و گفت: ای رسول خدا! شما این کار را در نوبت من و در خانه و بستر من انجام دادید؟ پس پیامبر اکرم از حفصه حیا کرده، خجالت کشید و فرمود: کافی است، زیرا من ماریه را بر خودم حرام ساختم و بعد از این هرگز با وی نزدیکی نخواهم کرد.<sup>۱</sup>

علامه طباطبایی این داستان را به همین شکل در تفسیر خود به نقل از طبرانی و ابن مردویه آورده است.<sup>۲</sup> علامه طبرسی نیز این داستان را همین گونه در مجمع البیان ذکر کرده است.<sup>۳</sup> هم چنین علامه بحرانی نیز این قضیه را در البرهان به نقل از تفسیر قمی آورده است.<sup>۴</sup>

اما دیدگاه ششم فقط در تفسیر مجمع البیان آمده و به نظر می‌رسد که مفسر، این شأن نزول را - هم چنان که خواهیم دید - به نقل از کشف زمخشری در تفسیر خود آورده است.<sup>۵</sup> اما این که آن راز حضرت رسول با یکی از همسرانش، چه بوده، این راز با شأن نزول‌های شش‌گانه یادشده - از دیدگاه مفسران شیعی - ارتباطی تنگاتنگ دارد که عبارت‌اند از:

۱. سوگند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر غسل نخوردن؛ این مطلب در تفسیر مجمع البیان<sup>۶</sup> و تفسیر نمونه آمده است. در تفسیر نمونه آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حفصه گفت:

این سخن را به کسی مگو (مبادا به گوش مردم برسد، و بگویند چرا پیامبر حلالی را بر خود تحریم کرده؟ و یا از کار پیامبر در این مورد و یا مشابه آن تبعیت کنند، و یا به گوش زینب [بنت جحش] برسد و او دل شکسته شود.<sup>۷</sup>

نیز چنین تعبیری در المیزان (البته غسل خوردن در منزل سوده بوده) آمده است.<sup>۸</sup>

۱. همان، ص ۳۷۵ - ۳۷۶.

۲. سید محمدحسین طباطبایی، همان، ج ۱۹، ص ۶۸۲.

۳. طبرسی، همان، ج ۱۴، ص ۱۰۶۵ - ۱۰۶۸.

۴. سید هاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۵۰.

۵. طبرسی، همان، ج ۱۴، ص ۱۰۶۵ - ۱۰۶۸.

۶. همان.

۷. تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۷۱ - ۲۷۲ و ۲۷۵.

۸. سید محمدحسین طباطبایی، همان، ج ۱۹، ص ۸۱.

۲. سوگند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مبنی بر این که دیگر به خانه زینب نخواهد رفت. این مطلب نیز فقط در مجمع البیان طبرسی آمده است.<sup>۱</sup>

۳. سوگند پیامبر مبنی بر حرام کردن ماریه به خود به سبب جلب رضایت حفصه یا عایشه. این مطلب تقریباً مورد تأیید بیشتر مفسران است که در مجمع البیان و المیزان و البرهان به آن اذعان شده است با این تفاوت که علامه طباطبایی بر این مطلب، نقدی دارند که در جای خود بدان اشاره خواهد شد.<sup>۲</sup>

۴. رازی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با حفصه در میان گذاشت این بود که بعد از ایشان، ابوبکر و عمر، زمامدار مسلمانان می شوند. این مطلب یکی از جنجالی ترین بحث های تفسیری است که در تفاسیر قمی و المیزان و البرهان فی تفسیر القرآن به آن اشاره شده است و البته علامه طباطبایی نقدی بر آن دارد که در جای خود بحث خواهد شد.<sup>۳</sup> به هر حال، مسلماً پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این راز را به حفصه گفته و او این راز را به عایشه انتقال داده است. علامه طباطبایی می فرماید:

تمامی روایات اتفاق دارند بر این که منظور از آن دوزن حفصه و عایشه دو همسر رسول خدایند.<sup>۴</sup>

آیت الله مکارم شیرازی می فرماید:

منظور از همسر غیر رازدارش در این آیه، حفصه بود که او این سخن را شنید و به عایشه بازگو کرد.<sup>۵</sup>

هم چنین ماجرای بسیار مفصلی به نقل از ابن عباس در تفاسیر مختلف وجود دارد که ابن عباس به نقل از عمر بن خطاب، آن دوزن را حفصه و عایشه معرفی کرده است.<sup>۶</sup>

۱. طبرسی، همان، ج ۱۴، ص ۱۰۶۵ - ۱۰۶۸.

۲. همان، ص ۱۰۶۵ - ۱۰۶۸ و سید محمدحسین طباطبایی، همان، ج ۱۹، ص ۶۸۲ و سید هاشم بحرانی، همان، ج ۸، ص ۴۹ و ۵۰ به نقل از: کلینی، کافی، ج ۶، ص ۱۳۴، ح ۱.

۳. قمی، همان، ج ۲، ص ۲۷۵ و ۲۷۶؛ سید محمدحسین طباطبایی، همان، ج ۱۹، ص ۶۸۲ و ۶۸۳ و سید هاشم بحرانی، همان، ج ۸، ص ۵۰ به نقل از: تفسیر القمی.

۴. سید محمدحسین طباطبایی، همان، ج ۱۹، ص ۶۶۷.

۵. ناصر مکارم شیرازی، همان، ج ۲۴، ص ۲۷۵.

۶. «قال ابن عباس: فسألت عمر بن الخطاب من اللتان تظاهرتا علی رسول الله صلی الله علیه و آله؟ فقال: حفصة و عائشة» (سید هاشم بحرانی، همان، ج ۸، ص ۵۱، به نقل از: الأمالی، ج ۱، ص ۱۵۰).

با وجود این تفاسیل، علامه طباطبایی معتقد است که آیات شریفه تصریح نکرده‌اند که آن چه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر خود حرام کرده، چیست؟ و جمله (تَنْتَفِي مَرْضَاتِ أَزْوَاجِكَ) اشاره بر این مطلب دارد که آن چه را آن جناب بر خود حرام کرده عملی از اعمال حلال بوده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را انجام می‌داده است و بعضی از همسران آن حضرت از انجام آن عمل ناراضی بودند و حضرت را در مضیقه قرار می‌دادند و اذیت می‌کردند تا این که آن حضرت ناگزیر شد سوگند بخورد که دیگر آن عمل را انجام ندهد.<sup>۱</sup>

(۱۱۹)

نقد و بررسی دیدگاه‌های موجود در ...

ماجرای زمامداری ابوبکر و عمر پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

یکی از مواردی که در برخی تفاسیر شیعی به آن پرداخته شده و به عنوان راز پیامبر با حفصه، مطرح گردیده است، ماجرای زمامداری ابوبکر و عمر پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که برخی مفسران شیعی نیز آن را پذیرفته‌اند. قمی این ماجرا را این گونه نقل می‌کند:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حفصه فرمود: من رازی را با تو در میان می‌گذارم که اگر آن را فاش سازی، لعنت خدا و فرشتگان و تمامی مردم بر تو باشد. حفصه سؤال کرد: آن راز چیست؟ فرمود: ابوبکر پس از من خلافت را به دست می‌گیرد و پس از او عمر، پدرت، خلیفه می‌شود.

حفصه سؤال کرد: چه کسی این خبر را به تو داده است؟ فرمود: خداوند این خبر را به من داده است. آن گاه حفصه این خبر را همان روز به عایشه رساند و عایشه نیز ابوبکر را با خبر کرد. پس ابوبکر نزد عمر آمد و به او گفت: عایشه از حفصه خبری به من داده که من نمی‌توانم به قول او اطمینان کنم، تو (ای عمر) از حفصه آن را پیرس. عمر نزد حفصه آمد و به او گفت: آن چه عایشه از تو نقل کرده، چیست؟ حفصه آن را انکار کرد و گفت: من چیزی نگفته‌ام. عمر به او گفت: اگر این مسئله درست باشد، به ما خبر ده تا خود را آماده سازیم. حفصه گفت: بلی، این مطلب را رسول خدا فرموده است.<sup>۲</sup>

تا این جای ماجرا در کتاب‌های روایی و تفسیری شیعه و سنی آمده است، اما آن چه

۲۴۸۴

۱. سید محمدحسین طباطبایی، همان، ج ۱۹، ص ۶۶۵.

۲. قمی، همان، ج ۲، ۲۷۵ - ۲۷۶.

فقط در کتاب تفسیر علی بن ابراهیم قمی مشاهده می شود و در کتاب های روایی و تفسیری اهل سنت وجود ندارد، جمله زیر است:

فاجتمع أربعة على أن يسقوا رسول الله فنزل جبرئيل على رسول الله ﷺ بهذه السورة...<sup>۱</sup>

هم چنین علی بن ابراهیم قمی در تفسیر این بخش از آیه سوم سوره مبارکه تحریم که می فرماید: ﴿وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضِ﴾ می نویسد: پیامبر اکرم ﷺ به آن ها اطلاع نداد که از نیت شوم آن ها مبنی بر قتل پیامبر، خبر دارد.<sup>۲</sup>

وی هم چنین در تفسیر ﴿وَأَظْهَرَ اللَّهُ عَلَيْهِ﴾ می نویسد:

يعنى أظهر الله نبيه على ما أخبرت به وهقوا به من قتله...<sup>۳</sup>

(۱۲۰)

اما علامه طباطبایی این ماجرا را با اندک تفاوتی این گونه توضیح می دهد:

طبرانی و ابن مردویه از ابن عباس روایت کرده اند که در تفسیر آیه ﴿وَإِذْ أُنزِلَ النَّبِيُّ...﴾ گفتند: حفصه در خانه خودش به درون اطاق رفت و دید که رسول خدا ﷺ در حجره او با کنیزش ماریه عمل زناشویی انجام می دهد. رسول خدا ﷺ به حفصه فرمود: جریان را به عایشه خبر مده تا من به تو بشارتی بدهم، و آن بشارت این است که پدرت بعد از من و بعد از ابی بکر زمامدار مسلمانان می شود. حفصه بلافاصله خبر را به عایشه رساند. عایشه از رسول خدا ﷺ پرسید: چه کسی به تو خبر داد که پدر من و پدر حفصه بعد از تو زمامدار می شوند؟ فرمود: خدای علیم و خبیر. عایشه گفت: من دیگر به روی تو نظر نمی کنم تا ماریه را بر خود حرام کنی. رسول خدا ﷺ هم او را بر خود حرام کرد. و این جا بود که آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ...﴾ نازل شد.<sup>۴</sup>

تاریخ در آیه پیامبر (سال سوم، شماره سوم، پانزدهم)

در این میان، روایتی نیز وجود دارد که در تفسیر المیزان و البرهان به آن اشاره شده است، این روایت می تواند مؤیدی بر قول سوم (راز حرام کردن ماریه) باشد. روایت این است که کلینی در کافی به سند خویش از زراره از امام باقر علیه السلام روایت کرده که ایشان در پاسخ به سؤال زراره که آیا این آیه، کفاره را واجب کرده است، فرمودند:

رسول خدا ﷺ ماریه را در عین این که همسرش بود بر خود حرام کرد و سوگند

۱. همان، ص ۳۷۶ و سید هاشم بحرانی، همان، ج ۸، ص ۵۱ به نقل از: تفسیر القمی.

۲. همان.

۳. همان.

۴. سید محمدحسین طباطبایی، همان، ج ۱۹، ص ۶۸۲-۶۸۳.



خورد که به او نزدیک نشود، و کفاره‌ای که بر آن جناب واجب شد کفاره سوگند بود، نه کفاره تحریم.<sup>۱</sup>

### بررسی دیدگاه مفسران اهل سنت

در بررسی آیات یادشده، از تفاسیر چهار مفسر نامی اهل سنت (طبری، زمخشری، فخر رازی و آلوسی) استفاده شده است. اقوال مفسران اهل سنت در تفسیر این آیات، همان اقوالی است که مفسران شیعه نیز به آن اشاره کرده‌اند و در قسمت قبل، آن‌ها را بررسی کردیم.

به طور مختصر اقوال مفسران سنی مذهب در باب شأن نزول آیات و رازی که پیامبر با یکی از همسرانش در میان گذاشت عبارت است از:

- ۱- نزدیکی پیامبر با ماریه در نوبت عایشه و باخبر شدن حفصه و درخواست پیامبر از حفصه مبنی بر باخبر نشدن عایشه از این ماجرا و سوگند پیامبر مبنی بر تحریم ماریه بر خود؛
- ۲- نزدیکی پیامبر با ماریه در نوبت عایشه و مطلع شدن حفصه و درخواست پیامبر از حفصه مبنی بر باخبر نشدن عایشه و این که ابوبکر و عمر پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زمامدار مسلمانان می‌شوند؛
- ۳- نزدیکی پیامبر با ماریه در نوبت حفصه و خواست پیامبر بر راضی کردن وی و درخواست ایشان بر مخفی ماندن موضوع و افشای آن توسط حفصه...؛
- ۴- غسل خوردن پیامبر در منزل زینب بنت جحش و توطئه عایشه و حفصه بر این که بوی مغفیر از دهان پیامبر می‌آید و سوگند پیامبر بر غسل نخوردن؛
- ۵- غسل خوردن پیامبر در منزل سوده...؛
- ۶- نزدیکی پیامبر با ماریه در خانه حفصه و تندخویی حفصه با پیامبر و تحریم ماریه توسط پیامبر بر خود.

اکنون به بررسی دیدگاه‌های یادشده می‌پردازیم:

دیدگاه اول در تفسیر طبری آمده است. وی می‌گوید:

و یک شب دیگر به مدینه نوبت عایشه - رضی الله عنها - بود، و پیغامبر صلی الله علیه و آله چون در خانه شد، عایشه - رضی الله عنها - به خانه نبود، و آن کنیزک که ملک حبشه او را فرستاده بود آن جا بود. پیغامبر صلی الله علیه و آله با آن کنیزک گرد آمد، و پیش از آن که عایشه

۲۹۸۶

۱. همان، ص ۶۸۰ و سیدهاشم بحرانی، همان، ج ۸، ص ۴۹-۵۰ به نقل از: کلینی، کافی، ج ۶، ص ۱۳۴، ح ۱.

-رضی الله عنها - آمد حفصه دختر عمر بن الخطاب - رضی الله عنها - به خانه عایشه - رضی الله عنها - اندر آمد، و از آن احوال پیامبر ﷺ و آن کنیزک خبر یافت. پیامبر ﷺ مر حفصه را گفت که: نباید که این احوال مر عایشه - رضی الله عنها - را گویی که من سوگند خوردم که این کنیزک را بر خود حرام کردم.<sup>۱</sup>

دیدگاه دوم، مورد اعتماد زمخشری در کشاف و فخر رازی در التفسیر الکبیر است. البته این دو قائل اند که پیامبر اکرم ﷺ دو راز را با حفصه در میان گذاشت:  
۱- ماجرای تحریم ماریه، ۲- امامت و زعامت شیخین.<sup>۲</sup>

نظریه سوم، تنها در کشاف و التفسیر الکبیر به آن اشارت شده و آن این است که پیامبر در نوبت حفصه، با ماریه خلوت کرد و پیامبر خواست تا حفصه را راضی کند و از او خواست که موضوع را کتمان کند، ولی او راز پیامبر را فاش کرد و پیامبر او را طلاق داد و از همسرانش دوری کرد و ۲۹ شب در خانه ماریه ماند. و روایت شده که عمر به وی گفت: «لو كان في آل الخطاب خير لما طلقك» پس جبرئیل نازل شد و گفت: ای پیامبر به وی (حفصه) رجوع کن که او از همسران تو در بهشت خواهد بود.

این روایت از دو طریق نقل شده است: یکی از طریق حسن ابن ابی جعفر از ثابت از انس... و دیگری طبرانی از حسن از عاصم از عمار که راوی مشترک (حسن بن ابی جعفر) طبق گفته فخر رازی ضعیف است.<sup>۳</sup>

دیدگاه چهارم در تفاسیر زمخشری، فخر رازی و آلوسی آمده است. زمخشری می گوید:

و روی أنه شرب عسلاً في بيت زينب بنت جحش، فتواطأت عائشة وحفصة فقالتا له: إنا نشتم منك المغافير، وكان رسول الله يكره التفل، فحرم العسل.<sup>۴</sup>

دیدگاه پنجم فقط در تفسیر آلوسی ذکر شده است.<sup>۵</sup>

۱. محمد بن جریر طبری، ترجمه تفسیر طبری، ج ۷، ص ۱۸۹۶ - ۱۸۹۷.
۲. محمود بن عمر زمخشری، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، ج ۴، ص ۵۶۲ - ۵۶۵؛ فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۳۰، ص ۴۳. فخر رازی این مسئله را با استناد به روایتی از ابن عباس بیان می کند.
۳. زمخشری، همان، ج ۴، ص ۵۶۲ - ۵۶۳ و فخر رازی، همان، ج ۳۰، ص ۴۱، به نقل از: کشاف زمخشری.
۴. زمخشری، همان، ج ۴، ص ۵۶۳؛ فخر رازی، همان، ج ۳۰، ص ۴۱؛ به نقل از: کشاف زمخشری.
۵. آلوسی بغدادی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ج ۲۸، ص ۱۴۶ و ۱۴۷.

دیدگاه ششم نیز در تفسیر آلوسی آمده است. وی به مسئله عتاب کردن حفصه به پیامبر اشاره می‌کند که پیامبر برای راضی کردن وی ماریه را بر خود حرام می‌سازد. هم‌چنین به روایتی اشاره می‌کند که این ماجرا در خانه حفصه بوده، لکن در نوبت عایشه.<sup>۱</sup>

### نکته‌های جالب توجه در تفاسیر اهل سنت

مفسران سنی مذهب در تفسیر «بَغْضِ أَزْوَاجِهِ» اتفاق نظر دارند که منظور، حفصه می‌باشد. زمخشری می‌گوید:

(بَغْضِ أَزْوَاجِهِ) حفصة، والحديث الذي أسر اليها حديث مارية و إمامة الشيخين.<sup>۲</sup>

فخر رازی می‌گوید:

وقوله تعالى (وَإِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ) الى بعض ازواجه حديثاً، يعني ما أسرَ إلى حفصة من تحريم الجارية على نفسه واستكتمها ذلك.<sup>۳</sup>

آلوسی که در کنایه زدن به شیعه ید طولایی دارد با انتقاد از شیعیان می‌نویسد:

إِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثاً هِيَ حَفْصَةُ عَلَى مَا عَلَيْهِ عَامَةُ الْمَفْسَرِينَ، وَزَعَمَ بَعْضُ الشَّيْعَةِ أَنَّهَا عَائِشَةُ وَلَيْسَ لَهُ فِي ذَلِكَ شَيْعَةٌ.<sup>۴</sup>

اما - همان‌گونه که گذشت - هیچ‌کدام از علمای برجسته شیعی چنین چیزی را عنوان نکرده‌اند.

هم‌چنین در تفسیر «عَرَّفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضِهِ» دیدگاه‌های جالبی نقل شده است:

زمخشری و فخر رازی گویند:

«عَرَّفَ بَعْضَهُ» أَعْلَمَ بِبَعْضِ الْحَدِيثِ تَكْرِماً.<sup>۵</sup>

فخر رازی هم‌چنین می‌گوید:

۲۴۸۸

۱. همان، ص ۱۴۶-۱۴۷.

۲. زمخشری، همان، ج ۴، ص ۵۶۵.

۳. فخر رازی، همان، ج ۳۰، ص ۴۳.

۴. آلوسی، همان، ج ۲۸، ص ۱۵۰.

۵. زمخشری، همان، ج ۴، ص ۵۶۵ و فخر رازی، همان، ج ۳۰، ص ۴۱ به نقل از: زمخشری، الکشاف.

﴿وَأَعْرَضَ عَنْ بَغْضٍ﴾ لم يخبرها أنك أخبرت عائشة على وجه التكرم والإغضاء، والذي أعرض عنه ذكر خلافة أبي بكر و عمر.<sup>١</sup>

ألوسی نیز می نویسد:

﴿عَرَفَ﴾ اي النبي ﷺ حفصة (بَغْضُهُ) اي الحديث اي أعلمها وأخبرها ببعض الحديث الذي أفشته... قيل هو قوله لها: «كنت شربت غسلًا عند زينب ابنة جحش فلن أعود».<sup>٢</sup>  
﴿وَأَعْرَضَ عَنْ بَغْضٍ﴾ هو على ما قيل قوله عليه الصلوة والسلام: «وقد حلفت» فلم يخبرها به تكراً لما فيه من مزيد خجلتها حيث أنه يفيد مزيد اهتمامه ﷺ بمرضاة أزواجه وهو لا يحب شيوع ذلك.<sup>٣</sup>

گفتنی است آلوسی با وجود این که قول مشهور را ماجرای ماریه می داند مطلبی را از خفاجی نقل می کند که جای تأمل دارد. وی می گوید:

قال الخفاجي: قال النووي في شرح مسلم: الصحيح ان الآية في قصة العسل لافي قصة مارية المروية في غير الصحيحين ولم تات قصة مارية في طريق صحيح. ثم قال الخفاجي نقلاً عنه ايضاً: الصواب أن شرب العسل كان عند زينب - رضی الله تعالى عنها - وقال الطيبي فيما نقلناه عن الكشاف: ما وجدته في الكتب المشهورة والله تعالى أعلم.<sup>٤</sup>

این سخنی است که نووی در شرح مسلم آورده که ماجرای ماریه - با وجود اتفاق نظر اکثر مفسران اهل سنت بر آن - از طریق صحیحی نقل نشده و در صحیحین بخاری و مسلم نیز نیامده است، لذا معتبر نمی باشد.

اما آلوسی برای اثبات سخن خود در باب خلافت صحابه (ابوبکر و عمر) بعد از پیامبر، روایتی ذکر کرده که آن را ابن عدی و ابونعیم در فضائل الصديق، و ابن مردويه از طرقي از علی علیه السلام و ابن عباس نقل می کند که این دو گفته اند:

إن أمانة أبي بكر وعمر لفي كتاب الله (وَإِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ خَدِيثًا) قال لحفصة: «أبوي وأبوعائشة واليا الناس بعدي فإيتاي أن تخبري أحدا».<sup>٥</sup>

حال این طرقي که آلوسی نام می برد، چه کسانی هستند بر ما پوشیده است و شاید بر خود وی پوشیده نباشد. هم چنین وی از بزرگان و علمایی از شیعه و سنی نقل می کند که

(١٣٤)

تاریخ در آینه - وهامی (سال سوم، شماره سوم، پانز ٨٥)

١. فخر رازی، همان، ص ٤٣.

٢. آلوسی، همان، ج ٢٨، ص ١٥٠.

٣. همان، ص ١٥٠.

٤. همان، ص ١٤٧.

٥. همان، ص ١٥١.

٢٤٨٩

راز پیامبر را به حفصه، ماجرای زمامداری ابوبکر و عمر پس از پیامبر می دانند. این افراد عبارت اند از: ابونعیم در فضائل الصحابه، ابن ابی حاتم از میمون بن مهران، طبرسی در مجمع البیان از اجل علمای شیعه از زجاج، عیاشی از عبدالله بن عطاء مکی از امام باقر علیه السلام.<sup>۱</sup>

نکته قابل توجه، تعبیری است که درباره طبرسی به کار می برد و او را با «من أجل علماء الشيعة» وصف می کند، و البته این در جایی است که مطلب نقل شده از علامه طبرسی با اهداف مورد نظر آلوسی، هماهنگی کامل دارد.

اما آنچه دردناک است این است که برخی علمای شیعه، از جمله علامه طبرسی بدون دلیل و مدرک معتبری این گونه اقوال را بیان می کنند که باعث خدشه دار شدن اعتقادات شیعه امامیه می شود.

به اعتقاد نگارنده، این گونه شأن نزول ها ساخته و پرداخته افرادی است که می خواهند دلیل موجهی برای حقانیت خلافت ابوبکر و عمر بتراشند و در این راه از راه های گوناگون، از جمله جعل حدیث استفاده کرده اند. این گونه است که آلوسی با کنایه های معنادار خود، شیعه را به دادگاه می کشاند.

وإذا سلم الشيعة صحة هذا لزمهم أن يقولوا بصحة خلافة الشيخين لظهوره فيها كما لا يخفى. ثم إن تفسير الآية على هذه الأخبار أظهر من تفسيرها على حديث العسل لكن حديثه أصح. والجمع بين الأخبار مما لا يكاد يتأتى.<sup>۲</sup>

این در حابلی است که خود آلوسی هم اقرار می کند که حدیث عسل صحیح تر می باشد، ولی برای اثبات نیت شوم خود، جمع بین اخبار را ممکن می داند و در این راه برای اثبات حقانیت گفته های خویش از گفته های عیاشی و طبرسی نیز مایه می گذارد.

### نقد علامه طباطبایی رحمته الله بر شأن نزول ها

علامه طباطبایی رحمته الله در تفسیر شریف المیزان، ذیل آیات ابتدایی سوره مبارکه تحریم و پس از ذکر شأن نزول های مختلف نقل شده برای این آیات، تمام آن ها را نقد و

بررسی می‌کند. مهم‌ترین دلیل ایشان در نقد برخی شأن نزول‌ها، عدم سازگاری و تطبیق با آیه شریفه «عَرَّفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ» است.

ایشان در نقد روایت ابن منذر، ابن ابی حاتم، طبرانی و ابن مردویه با سند صحیح از ابن عباس که گفته‌اند رسول خدا ﷺ هر وقت به منزل سوده می‌رفت در آنجا شربت عسل می‌نوشتید، و با اشاره به توطئه حفصه و عایشه می‌نویسد:

این حدیث به طرق مختلفه و الفاظی مختلف نقل شده، لکن به روشنی با آیات مورد بحث که همه در یک سیاق قرار دارند تطبیق نمی‌شود.<sup>۱</sup>

هم‌چنین ایشان به روایت موجود درباره نزدیکی پیامبر اکرم ﷺ با کنیزش در منزل حفصه در نوبت عایشه و تحریم کردن کنیز پیامبر توسط ایشان برای رضایت همسرانش می‌نویسد:

این روایت هم آن‌طور که باید به روشنی با آیات مورد بحث و مخصوصاً با جمله «عَرَّفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ»، نمی‌سازد، زیرا ظاهر این عبارت این است که خدای تعالی بعضی از خلافکاری‌های آن دوزن را بیان کرد و همه را بیان نکرد، و ظاهر عبارت (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ) این است که همه آن اسرار را برای رسول خدا ﷺ فاش ساخت، و به آن جناب عتاب کرد که چرا چیزی را که پروردگارت برایت حلال<sup>۲</sup> کرده بر خود حرام می‌کنی.<sup>۳</sup>

هم‌چنین ایشان با ذکر روایت طبرانی و ابن مردویه از ابن عباس درباره ماجرای نزدیکی پیامبر با ماریه در حجره حفصه، و درخواست پیامبر بر مخفی نگه داشتن این موضوع از عایشه و اعلام راز زمامداری ابوبکر و عمر پس از پیامبر اکرم ﷺ، بیان می‌دارد:

روایت در این باب، بسیار زیاد و بسیار مختلف است و در بیشتر آن‌ها آمده که ماریه را به خاطر کلام حفصه بر خود حرام کرد، نه به خاطر کلام عایشه، و گوینده (مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا) حفصه بود، نه عایشه، و منظور حفصه از این سؤال این بود که چه کسی به تو خبر داد که من جریان ماریه را به عایشه رساندم.<sup>۴</sup>

(۱۲۶)

تاریخ در آیه پاره‌ها (سال سوم، شماره سوم، پانزیم ۸۵)

۱. سید محمدحسین طباطبایی، همان، ج ۱۹، ص ۶۸۱.

۲. مترجم محترم تفسیر شریف المیزان یا ناشر این کتاب، به اشتباه این کلمه را «حرام» آورده است که «حلال» صحیح است.

۳. همان، ص ۶۸۲.

۴. همان، ص ۶۸۲-۶۸۳.

ایشان هم چنین در ادامه نقد خود بر روایت مذکور می نویسد:

و این روایت با همه کثرتش در عین حال، ابهامی را که در جمله (عَرَفَ بَغْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَغْضِ) هست برطرف نکرده و روشن نکرده که رسول خدا ﷺ برای چه کسی بعضی از داستان را تعریف کرد و از بعضی دیگرش صرف نظر کرد. بلکه در روایتی که ابن مردویه از علی رضی الله عنه نقل کرده که هیچ انسان بزرگواری به خود اجازه نمی دهد ته و توی یک ماجرا را درآورد، برای این که خدای عز و جل درباره رسول گرامی اش می فرماید: (عَرَفَ بَغْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَغْضِ...) و نیز در روایتی که ابن ابی حاتم از مجاهد و ابن مردویه از ابن عباس نقل کرده اند، آمده که آن قسمتی را که رسول خدا ﷺ پی گیری و کشف کرد مسئله ماریه بود، و آنچه را از پی گیری اش صرف نظر کرد، مسئله زمامداری ابی بکر و عمر بعد از رحلت خود بود، چون ترسید اشاعه پیدا کند.

(۱۲۷)

نقد و بررسی دیدگاه های موجود در...

اشکالی که متوجه این دو روایت است این است که کجای این کار کرامت و بزرگواری است؟ آیا افشا کردن ماجرای ماریه (که یک مسئله خانوادگی است) بزرگواری است؟! و یا پنهان کردن زمامداری ابی بکر و عمر بزرگواری است؟ یا این که اگر کرامتی باشد در عکس این قضیه است؟ یک انسان بزرگوار همواره مسائل خانوادگی و ناموسی خود را پنهان می دارد و مسائل اجتماعی را در اطلاع همه می گذارد.<sup>۱</sup>

علامه طباطبایی پس از ذکر داستان معروف سخنان عمر بن خطاب با ابن عباس درباره سؤالی که ابن عباس در مورد آیه (إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ) از وی می کند، این گونه این داستان را نقد می کند:

این داستان از عمر بن خطاب به طور مختصر و مفصل به چند طریق نقل شده، و لکن... این روایت هیچ سخنی درباره سؤالی که رسول خدا ﷺ به بعضی از همسرانش سپرده بود چه بوده، ندارد و نیز در آن نیامده که آنچه افشا کرد چه بوده، و آنچه از افشایش اعراض فرمود چه بوده، با این که مهم به دست آوردن این معانی است.

و در عین حال از ظاهر این روایت برمی آید که مراد به تحریم حلال در آیه شریفه این است که رسول خدا ﷺ تمامی زنان خود را بر خود حرام کرده بود، با این که آیه شریفه غیر این را می فرماید، چون آیه شریفه دلالت دارد بر این که آن جناب در صدد تحصیل رضای همسرانش بوده، و به خاطر دلخوشی آنان چیزی را بر خود حرام کرده، علاوه بر این که در این روایات نیامده که چرا مسئله توبه را به دو

نفر از زنان آن حضرت اختصاص داد و فرمود: (إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ)....<sup>۱</sup>

### نتیجه

با اندک تأملی در گفته‌های مفسران شیعه و سنی درباره این آیات، روشن می‌شود که بیشتر شأن نزول‌های این آیات از منابع اهل سنت نقل شده است و شیعه به صورت مستقل - غیر از روایتی از امام باقر علیه السلام که بدان اشاره شد - نظری در این باره ندارد و هرچه در منابع تفسیری شیعه ملاحظه می‌شود، گردآوری و نقل قول از محدثان و مفسران اهل سنت است.

(۱۲۸)

تاریخ درآینه پیامبران (سال سوم، شماره سوم، پاییز ۸۵)

از سوی دیگر، بیشتر این شأن نزول‌ها - بر اساس دیدگاه‌های اهل سنت - از درجه اعتبار ساقط‌اند، زیرا فقط یک شأن نزول در صحیح بخاری آمده<sup>۲</sup> و آن هم ماجرای غسل نوشیدن پیامبر در منزل زینب بنت جحش است، و چون از نظر اهل تسنن روایتی که در صحیحین آمده باشد، اعتبار بیشتری دارد، این روایت باید از دیدگاه اهل سنت معتبرتر باشد، ولی بیشتر مفسران نامی اهل سنت، ماجرای ماریه و زمامداری شیخین را - بنا به دلایل سیاسی - پذیرفته‌اند، در صورتی که طبق گفته ختاجی به نقل از نووی در شرح صحیح مسلم، داستان ماریه از طریق صحیحی نقل نشده، ولی ماجرای غسل از طرق صحیحه نقل شده و در صحیحین نیز موجود است.

آنچه مشخص است، هیچ‌کس؛ اعم از شیعه و سنی ماجرای آزار و اذیت‌های همسران پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را انکار نکرده‌اند، زیرا علاوه بر سوره مبارکه تحریم، بخشی از آزارهای آنان در سوره مبارکه احزاب نیز آمده است. البته برخلاف سوره مبارکه احزاب که شأن نزول مشخصی دارد، این سوره، شأن نزول خاصی ندارد و باید از میان شأن نزول‌های وارده، یکی را انتخاب کرد.

نگارنده بهترین وجه را همان می‌داند که در تفسیر نمونه و نیز برخی از تفاسیر دیگر به آن اشاره شده است و تا حدودی با سیاق آیات نیز موافقت و همخوانی دارد و برخلاف آنچه علامه طباطبایی فرموده‌اند، این تفسیر می‌تواند متقن‌تر و

۱. همان، ص ۶۸۷.

۲. ناصر مکارم شیرازی، همان، ج ۲۴، ص ۲۷۲؛ به نقل از: صحیح، بخاری، ج ۱۶، ص ۱۹۴.



با ثبات تر از تفاسیر دیگر باشد و هیچ‌گونه سوء استفاده‌های سیاسی به نفع فرقه خاصی نیز نمی‌توان از آن برداشت کرد، برخلاف ماجرای زمامداری ابوبکر و عمر که اهل سنت با جعل روایاتی در این زمینه و ذیل آیات سوره مبارکه تحریم با تاختن به شیعه، سعی در اثبات حقانیت مذهب خود کرده‌اند که متأسفانه برخی مفسران شیعه هم این نظر را پذیرفته‌اند.

به هر حال، با توجه به مطلبی که مفسر تفسیر نمونه از سید قطب نقل می‌کند که در برخی روایات آمده که پیامبر ﷺ پس از این ماجرا یک ماه از همسران خود کناره‌گیری کرد و حتی شایعه تصمیم آن حضرت مبنی بر طلاق آن‌ها نیز منتشر گردید، به طوری که همسران پیامبر سخت به وحشت افتاده و از کار خویش پشیمان شدند،<sup>۱</sup> این وجه اطمینان‌آورتر به نظر می‌رسد.

#### کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم.
۲. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۹ ق / ۱۹۹۹ م.
۳. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ترجمه علی کرمی، تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۸۰.
۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تصحیح سید طیب موسوی جزائری، نجف اشرف، منشورات مکتبه الهدی، ۱۳۸۷ ق.
۵. طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجاء و مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۶. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۸.
۷. آلوسی بغدادی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۸. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۷ م.
۹. فخر رازی، التفسیر الکبیر، بیروت، دار الکتب العلمیه، [بی تا].
۱۰. طبری، محمد بن جریر، ترجمه تفسیر طبری، تصحیح حبیب یغمائی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۴.